



اساس سوسیالیسم انسان است.
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است.
منصور حکمت

"فقر صنعتی کردستان، امنیت شغلی" و حزب دمکرات و راه حلها



مجید حسینی

می آورد، این خوب است اما نه بدلیل صرفا اشتغال، آنطوریکه اینها می گویند، به این دلیل که مراکز بزرگ کاری و تجمع کارگری، توانایی متشکل شدن و مبارزه متحدانه و قدرتمند کارگری را در برابر دولت و سرمایه داران بالا میبرد. وجود مراکز بزرگ کار مشکل بیکاری و امنیت شغلی

صفحه ۲

ناسیونالیستی نیست و زبان و محل تولد کسی هم تغییری در این مسئله ایجاد نمی کند. دایره اعتراض به «فقر صنعتی» یا عدم آن در کردستان محدود به این نیست، جزئی از جریان فکری سیاسی وسیعتر بورژوازی برای مقابله با کمونیسم و کارگر و چپ جامعه است. «فقر صنعتی» پرچم نمایندگان کرد در مجلس است، قالب بروز محلی اختلاف و کشمکش جناح بندیهای رژیم است و بیان اعتراض بورژوازی به چگونگی استفاده از نیروی کار ارزان در کردستان و سهم بری سرمایه دار محلی از آن است. شکی نیست که وجود کارخانجات متعدد در کردستان برای تعداد بیشتری از کارگران اشتغال بوجود

دمکرات کردستان ایران زمخت و نخراشیده از این گفته برای انکار وجود طبقه کارگر و مبارزه طبقاتی در کردستان نتیجه می گیرند و اهداف خود را دارند، آقای بهرام نژاد از موضع ظاهرا اعتراضی و دلسوزانه به حال کارگر و ربط دادن «فقر صنعتی» به «امنیت شغلی» کارگران در کردستان از آن سخن گفته است. من بهرام نژاد را نمی شناسم و از سوابق و وضعیت کنونی ایشان چندان مطلع نیستم. با وجود تفاوتی که از موضع انکار طبقه کارگر تا انتقاد از کمبود صنعت در کردستان و از این زاویه دفاع از امنیت شغلی کارگران هست، سخنان ایشان از نظر سیاسی خارج از دایره تفکر و انتقادات محلی و رایج

بهرام نژاد "نماینده" کارگران در استان کردستان گفته است: "کردستان بشدت دچار فقر صنعتی شده است و امنیت شغلی برای کارگران مفهومی ندارد" این گفته های بهرام نژاد در سایت پیک ایران به نقل از ایلنا گزارش شده است. شکوه از نبودن کارخانه و مراکز صنعتی در کردستان را زیاد شنیده ایم، در آواز و شعر، در مقالات سیاسی و تحقیقی روشنفکران و محققین و دیگر شخصیتهای ناسیونالیست، در جلسات عمومی و خصوصی با رهبران نیروهای ناسیونالیست، در نشریات و به عنوان مختلفی این اظهارات مدام تکرار می گردد. اگر نیروهای سیاسی و از جمله حزب

دوازدهمین سالگرد حزب کمونیست کارگری ایران



نسان نودینیان

کمونیستی، در دوره عریبه کشی های طرفداران و معماران "نظم نوین جهانی" از تاچر و میتران و کهل و بوش تا طرفداران "دمکراسی" و تئوری پردازان تمرین "دمکراسی" و شیفتگان "بازار آزاد"،

صفحه ۴

تند پیچهای سیاسی مهمی در سطح ایران، خاورمیانه و بین المللی، پیش آمده، و توجه جهانیان را بخود جلب کرده است. مقدرات سیاسی و اجتماعی سرنوشت احزاب سیاسی را رقم میزنند. حزب کمونیست کارگری از احزاب کمونیستی نادری است که از این مقدرات سیاسی با رشد و گسترش، پویایی و تقویت و حمایت توده مردم، بیرون آمده است. این نقطه قوت این حزب است.

۳۰ نوامبر، حزب کمونیست کارگری ایران، ۱۲ ساله میشود. ۱۲ سال قبل توسط رهبر و تئوریسین کمونیسم کارگری، منصور حکمت حزبی متولد و اعلام موجودیت کرد که امروز به قطب اصلی کشمکش در عرصه های مختلف سیاسی و اجتماعی در عرصه سیاست در ایران و منطقه تبدیل شده است. حزب کمونیست کارگری حاصل تلاشهای تئوریک و سیاسی منصور حکمت در عرصه های مختلف مبارزه طبقاتی و سیاسی است.

هشدار به امام جمعه مزدور پاوه

عبدالله شریفی

صفحه ۲

فروکش برق آسای یک هیاهو



خالد علی پناه

فضای تبلیغاتی اپوزیسیون درون مرزی و برون مرزی حول جایزه صلح نوبل به شیرین عبادی، شوق و شادی را با تیتروهای مختلف به دنبال داشت. ارسال پیامهای تبریک ناسیونالیسم ایرانی زیر نام جایزه صلح نوبل به یک "بانوی" ایرانی، چپ حاشیه ای در تمجید و تشویق اهدای جایزه صلح نوبل به یک "زن مبارز" در دفاع از حقوق زن

صفحه ۳

تلاش برای فروش سازمان زحمتکشان به فراکسیون نمایندگان "کرد" مجلس اسلامی

صفحه ۳

رادیو انترناسیونال

۴۱ متر - ۷۴۹۰ کیلوهرتز

هر شب ساعت ۹ به وقت تهران

به دیگران اطلاع دهید

radio7520@yahoo.com

رادیو انترناسیونال روی اینترنت: www.radio-international.org

مدیر رادیو انترناسیونال: سیاوش دانشور

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

« فقر صنعتی ...»

و اپوزیسیون ناسیونالیست کرد، حول ایجاد کارخانه و صنعت بیشتر در کردستان، برای احقاق حقوق کارگران و مطالبه آنها نیست و ربطی به کارگر و خواستههای آنان ندارد. این دعوای خانگی بورژوازی و ناسیونالیستهاست که از این کانال اهداف سیاسی و اقتصادی خود را دنبال میکنند. اگر کسی ریگی به کفش ندارد و واقعا می خواهد از امنیت شغلی و منافع کارگران دفاع کند، بیمه بیکاری برای تمام بیکاران بالاتر از ۱۸ سال، کم کردن ساعت کار به ۳۵ ساعت در هفته، دو روز تعطیلی متوالی در هفته و یکماه مرخصی سالانه با حقوق، افزایش دستمزد به تناسب تورم، حق تشکلی، اعتصاب و اجتماعات از خواستههای کارگران است و از این طریق امنیت شغلی و زندگی کارگران تضمین شده است.

بعلاوه، طرح وسیع این مسئله نشان وزن اجتماعی طبقه کارگر و فشار جنبش رادیکال آن بر سخنگویان و مدافعان بومی و غیر بومی بورژوازی است. باید هوشیار بود، هر اندازه که اعتراض و مبارزات کارگری رنگ و بوی نارضایتی از کمبود کارخانه و صنعت در کردستان را به خود گیرد و کارگران از این سر برای امنیت شغلی و چاره سر کردن بیکاری و دیگر مشکلات زندگی خود برونند، راه به جایی نمی برند و نشانه نفوذ ایده های بورژوا ناسیونالیستی در میان کارگران است. اعتراض به وجود طبقه کارگر و طرح امنیت شغلی حتی در همین سطح قبلا مطرح نمی شد و این مسئله بر کاربردستان رژیم و ناسیونالیستها در کردستان تحمیل شده است.

حزب دمکرات و

اعتراض حسرت آور

کمبود کارخانه با دودکشهای بلند آن در کردستان، اعتراض حسرت آور سرمایه دار محلی است به میزان سهم خود از استثمار طبقه کارگر و ثروت جامعه که از طرف متفکرین ناسیونالیست کرد و نیروهای آن با اشکال مختلفی بیان می شود. تعدادی کردستان را منطقه ای صنعتی می دانند، تعدادی از کمبود صنعت در آن صحبت می کنند و در این میان حزب دمکرات با انکار رنگ آمیزی نشده کارگر و هر گونه صنعتی در کردستان، در منتها الیه گرایش راست ضد کارگر همین اعتراض سرمایه دارانه در کردستان قرار گرفته است. این حزب نیروی متشکل بورژوا

کارگر و مقابله با چپ و کمونیسم در کردستان است. این جوانب از خواص حزب دمکرات مورد توجه دولت و نیروهای بورژوازی ایران هست، بخصوص در اوضاع سیاسی کنونی که چشم انداز بالا گرفتن اعتراضات رادیکال مردم در میان است. در شرایطی که مردم برای به گور نهادن جمهوری اسلامی پا به میدان نهاده اند، با شایعه هر چند یکبار مذاکره با حزب دمکرات، و یاد آوری قول و تعهدات این حزب برای کنار آمدن و معامله با رژیم، و با اعلام دست کشیدن این حزب از مبارزه مسلحانه توسط رحیم صفوی و تعهدی که در همین مورد به جلال طالبانی داده اند، بهره برداری جمهوری اسلامی از ظرفیت ضد مردمی این حزب را نشان می دهد. مبارزه با سیاستهای راست و ناسیونالیستی حزب دمکرات یک شرط اساسی پیشروی و پیروزی احقاق حقوق کارگران و رفع ستم ملی در کردستان است و این را تجربه کردستان عراق، ترکیه و سواقی این حزب از انقلاب ۵۷ به این طرف داد می زند.

نوامبر ۲۰۰۳

هشدار به امام جمعه

مزدور پاوه

عبدالله شریفی

هفته گذشته نیروهای رژیم اسلامی در شهر پاوه به تعدادی زن و مرد حمله کرده و حدود ۲۰ نفر را دستگیر می کنند. همان شب بدون هیچ گونه محاکمه و دادگاهی به سیاق قوانین جنایتکارانه رژیم اسلامی، ۹ نفر از آنان را بدون محاکمه به ۸ سال زندان محکوم کرده اند.

این افراد به اتهام تن فروشی دستگیر شده اند. این مساله به بحث محافل مردم و اعتراض ضمنی آنها تبدیل شده است. ملا قادر امام جمعه شهر پاوه در نماز جمعه گذشته در این باره میگوید که اینها نیاز به محاکمه ندارند، انگل و میکروب هستند، پس به خودی خود محکوم هستند. این بدیهی است که فحشا و اعتیاد و فقر که سایه خود را بر جامعه ایران گسترانیده است، حاصل حاکمیت خونین نظام اسلامی است. در سایه حاکمیت سران جنایتکار خادمان نظیر ملا قادر است که این وضعیت جهنمی برای مردم ایران بوجود آمده است. مردم پاوه خوب میدانند که انگل و میکروب سران و حامیان خرد و درشت این رژیم هستند. مردم

میدانند که اینها از قبل دسترنج مردم محروم مال اندوزی کرده اند. تن فروشی جرم نیست، مصیبتی است که باید جامعه با امکان زمینه های مادی و معنوی از آن عبور کند، همکاری و حمایت از رژیم ضد انسانی اسلامی اما جرم است. اگر قرار باشد کسی در دادگاه مردمی محاکمه شود و حساب پس دهد، امثال ملا قادر هستند نه قربانیانی که در این باتلاق فرو افتاده اند. این مشیت انگل اسلامی اند که با چپاول اموال و ثروت مردم، جامعه را به مرز سقوط و فروپاشی برده اند، حقوق کارگر را نمیدهند، آنها را بیکار میکنند و مردم را ناچار میکنند که برای امرار معاش و ادامه حیات تن فروشی کنند، به دام باندهای توزیع مواد مخدر بیافتند و در نتیجه سیاستهای رژیم اسلامی روز بروز بر دامنه اعتیاد و تن فروشی و رها کردن کودکان معصوم در خیابانها و معادین و مراکز کار، بطرز وحشتناکی اضافه کنند.

تن فروشی باید غیر جنایی شود. و همزمان باید راه را بر باندهای سازمانیافته برای تداوم بیزینس فحشا بکلی مسدود کرد. جمهوری اسلامی نه تنها خود بانی فحشا است، بلکه خود مافیایی تمام عیار برای سازماندهی آن است. خانه های عفاف و صیغه های چند ساعته که روزانه در مساجد و حوزه های "علمیه" قم و مشهد و سایر مراکز اطراف طفیلیهای اسلامی صورت میگیرد تنها گوشه علنی و کوچکی از ابعاد غم انگیز این فاجعه اجتماعی است که اکنون در جامعه ایران جاری است.

مردم شریف پاوه نیز باید به این قلدری اعتراض کنند. تن فروشان برخلاف مزخرفات امام جمعه پاوه، خودقربانیان نظام اسلامیند، نباید اجازه داد جلو چشم ما، قربانیان را مجازات کنند. باید برای اعتراض به این عمل جنایتکارانه دست به تجمع زد. اعتراض به این عمل کثیف نیروهای رژیم، میتواند بر ادامه قلدری علیه مردم لگام بزند.

امروز مبارزه برای ریشه کش کردن فحشا، از مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی تفکیک پذیر نیست. برای اینکه در جامعه ای زیست که عاری از فحشا و اعتیاد باشد، باید جمهوری اسلامی نباشد. این امر یعنی بر انداختن رژیم اسلامی اکنون از هر زمانی بیشتر ممکن شده است.

۱۶ نوامبر ۲۰۰۳

تلاش برای فروش سازمان زحمتکشان به فراکسیون نمایندگان "کرد" مجلس اسلامی

جناب "دیپرکل" سازمان خوشنام زحمتکشان، فرصتی یافت تا به بهانه نامه "اعتراضی" نمایندگان "فراکسیون کرد" مجلس اسلامی به کشتار هم میهنان ایضا "کرد"، منبر برود و گوشه هائی از گرایش سازمان جدید الولاده را به نمایش بگذارد. پند و اندرز همراه با انتظارات آقای مهدی با عنوان: "دست نیروهای انتظامی در کردستان برای کشتار مردم باز است" رو به نمایندگان کرد مجلس کرده است.

به جملات دیپر کل سازمان قوم پرستان توجه کنید:

« باری، در نامه نسبتا شدید اللحن نمایندگان کرد مجلس از "کشتار مردم بی دفاع" و حتی از "قتل عام مردم کردستان به دست نیروهای انتظامی" صحبت میشود و در این مورد به سران سه قوه هشدار داده میشود. اما آنچه

نمایندگان کرد نمی خواهند و نمی توانند در باره اش صراحت داشته باشند...مشخصا اجرای سیاست ستمگری علیه خلق کرد است» و این "نماینده خودگمارده دیگر کرد" در ادامه توضیح این سیاست رژیم اضافه میکنند:

"رژیم جمهوری اسلامی مردم کردستان را نه مانند بخشی از یک کشور بلکه بعنوان یک سرزمین اشغالی می بیند" و عبدالله مهدی انتظارات خود را از نمایندگان هم قوم خود چنین طرح میکند:

"نمایندگان مجلس اسلامی اینها را نمی گویند و در موقعیت فعلی نمی توانند بگیرند. اما همین که نمایندگان کرد مجلس اسلامی در همین حد نیز به موضع انتقاد رانده میشوند، نشان از عمق بی پایگی استبداد ولایت فقیه در کردستان است."

میکشاندند. "کرد" بودن و به اذعان دیپرکل محترم، وجود "ستمگری ملی" در کردستان، هم انگیزه سرکوبگریهای رژیم و هم نیروی محرکه مبارزه مردم در کردستان است. و این البته با حقایق مربوط به مبارزه مردم کردستان مطلقا منطبق نیست.

در تمام مدت ۲۰ سالی که آقای دیپرکل سازمان زحمتکشان فریب کمونیستها را میخورند، ایشان و دوستانش در رهبری سازمان فعلی شان، حرفهای دیگری میزدند. این تغییر صندلی و نفرین گذشته شخص خویش برای امثال مهدی مهم نیست، اما همراه با کسب هویت قومی، تاریخچه سازی برای سازمان مبتنی بر نفرت از کمونیستها و تلاش ارتجاعی برای ناسیونالیستهای کرد، یک شایعه است. این پوختیک زدن با توهمات و جاه طلبیهای همراه با آن، هدف سرهم بندی و تحمیل یک باند متعصب قوم پرست، آنهم با ادعای قرار گرفتن در کنار احزاب اصلی ناسیونالیست کرد، تاکنون

فقط موجب تمسخر بوده است. دوم؛ داشتن کمترین درجه از عصاره سحرآمیز "کرد" میتواند نشانی از ایمنی را نزد امثال سازمان زحمتکشان با خود به همراه داشته باشد. نماینده مجلس شورای اسلامی بودن، اگر با دنبالچه "کرد" همراه باشد و از آن حماسی تر "فراکسیون کرد" هم لقب بگیرد، خود بیمه ای برای دنیا و آخرت است نزد احزاب و جریانات ناسیونالیستی و قومی. و البته پنهان نمیاند که جناب مهدی به این ترتیب میخواهند، خود را در مقام تقلبی و کاذب یک نیروی مطرح و سیاسی، لانس هم بفرمایند. جناب مهدی میفرماید، نمایندگان کرد در مجلس اسلامی "در موقعیت فعلی" نمیتوانند به ستمگری ملی بر "خلق کرد" اشاره کنند. اما همین اعتراض آنها به کشتار اهالی قوم خود، امتیاز مثبتی برایشان خواهد بود و جا و مکانی در جبهه و اتفاق و یارگیریهای احتمالی و بند و بست های



فروش برق آسای

یک هیاهو

(ادامه از صفحه ۱)

و کودک، جریانات ملی مذهبی در زیر نام جایزه صلح نوبل به یک زن از جهان "اسلام". از طرف دیگر در همان یکی دو روز اول ما شاهد چه تبلیغات هیستریکی از جانب دول غربی و مدیای جهانی و مواضع اپوزیسیون طرفدار رژیم در داخل و خارج بودیم، آدم فکر میکرد مسابقه تیریک گفتن و شادباش گفتن شروع شده که سرعتش قرار است باز هم اوج بگیرد. رادیوهای فارسی زبان به همدیگر شاد باش میگفتند، سری به پالتالک زدم فضایی درست شده بود که واقعا نه تنها مخالفت حتی نقد و افشا را هم بشدت دشوار کرده بود. سیاست پشت اهدای جایزه صلح نوبل، تبلیغات مشتمل کننده و شپیور کشیدن اصلاح طلبان حکومتی و غیر حکومتی، سازمانها و شخصیتهای به اصطلاح چپ و چپ نما با این ناسیونالیسم ایرانی همصدا شده بودند و داد میزدند که حادثه بسیار مهمی در روند اصلاحات و اوضاع سیاسی ایران بوجود آمده است. این مناظره را هر کس شاهد بود میفهمید که برای

یک بار دیگر سیمای واقعی دوستان و دشمنان جنبشی که کلیت نظام اسلامی را به مصاف طلبیده است، به آشکارترین شکل عیان شده است. صبح روز بعد از اهدای جایزه صلح نوبل، به گفته های یک زن که خود را "مسلمان" نامید در رادیو فارسی زبان شهری که در آن زندگی میکنم گوش میکردم، گرایش سیاسی این رادیو طرفداری از جبهه ملی است، اول پیام شادباش رادیو را قرائت کرد بعد پیامهای احزاب و شخصیتهای سیاسی شروع شد با پیام تبریک راه کارگر بعد پیامهای تبریک چند شاخه چریک فدایی، بعد سازمان اکثریت، شاخه های مختلف سلطنت طلبها و رضا پهلوی و در آخر حزب دمکرات کردستان و سازمان زحمتکشان. بعد خط رادیو را ازاد گذاشتند برای اظهار نظر شنوندگان. من سومین نفر و اولین مخالف بودم چون سر کارم بودم و نمیتوانستم زیاد حرف بزنم خلاصه ای از حرفهایی را که می خواستم بزنم یادداشت کرده بودم که وقت کمتری ببرد، من گفتم این هیاهو ها زیاد دوام ندارد، جنبش سرنگونی که در ایران بر دوام است خیلی وقت است که فاتحه این نوع عمر خریدن برای جمهوری اسلامی را خوانده است و دوباره فریب این

نوع تبلیغات که در اسلام حقوق زن رعایت میشود را نمیخورد اگر حتی فضایی باز شود مردم کل حاکمیت از هر دو جناح را زیر سوال میبرند، وقتی دوران عروج خاتمی و دو خرداد بود همین جریانها بلندگوی خاتمی و دوم خرداد شدند و این بار هم مطمئن باشید خیلی کوتاهتر و کم دوامتر از آن دوران می باشد. بعد از کار که به خانه برگشتم سری به سایتهای اینترنت زدیم چون من سالیان طولانی در صفوف کومه له و حزب کمونیست ایران بودم برایم جالب بود ببینم نظر آنها چیست، هیچ نظر رسمی ندیدم فقط مقاله آقای بهرام رحمانی عضو کمیته خارج کشور این حزب را دیدم و واقعا تعجب کردم چون با مواضع اکثریت و اصلاح طلبان خارج حکومتی فرقی نداشت، گوی سبقت را از ناسیونالیستهای ایرانی ربوده بود. من را یاد آن دوران انداخت که آقای بهرام رحمانی و بقیه مستعفیون از حزب کمونیست کارگری این حزب را ترک کردند و اطلاعیه شکستش را منتشر کردند. و چه به درست منصور حکمت در جواب تحلیلپاشان گفت که اینها تحلیل حجاریان تئورسیسین دوم خرداد را قبول کردند و خط حجاریان را انتخاب کردند و چنین تبیین و تحلیلی از اوضاع

مسئولیت سیاسی که در این ماجرای عبادی از خود نشان داد. با منات و حوصله تمام سیاستهای کمیته صلح نوبل و تناقضات و عوامفریبی دول اروپایی و شخص عبادی و هواداران رنگارنگشان را افشا نمود و برای بار دیگر حقانیت و صحت تحلیلپاشان را به جامعه نشان دادند. حزب کمونیست کارگری در این میدان همصدا با جنبش سرنگونی و تنها جریانی بود که پرچم این جنبش، که تمامیت حاکمیت اسلام سیاسی و شریعت اسلام را بزیر خواهد کشید را در دست داشت.

زنده باد حزب

کمونیست کارگری ایران

زنده باد آزادی برابری

حکومت کارگری

۱۲_ ۱۱_ ۲۰۰۳

کمکهای مالی

به کمیته نروژ حزب

کمیته نروژ حزب ۶۰۰۰ کرون

جمال پیر خضری ۳۰۰ کرون

خالد سورآزا ۵۰۰ کرون

کمکهای نظم ماهانه

جبار کردی ۱۵۰ کرون

محمود خاطر ۱۰۰ کرون

گلبلخ سلیمی ۱۰۰ کرون

پروانه احمدی ۵۰ کرون

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

تلاش برای فروش ۰۰۰

همیشه بین جریانات ناسیونال قومی، برای خود زرزو کرده اند. و هدف عبدالله مهنتی هم همین است که به نمایندگان هم خون خود در رژیم اسلامی بگوید، در روزهای پریشانی رژیم اسلامی، سازمان زحمتکشان میتواند مامنی برای آنها باشد. و چه سرنوشت غم انگیزی دارند اگر، بقایا و مهره های یک رژیم ساقط شده، ادعاهای سران یک باند جعلی، دست ساز و بی پایه و تخمیر شده در یک پروسه ارتجاعی و تعصب قوم پرستانه را جدی بگیرند. نقد فراقسیون کرد به استبداد ولایت فقیه (تعبیر الحاقی سازمان زحمتکشان به شکوائیه نمایندگان کرد مجلس اسلامی)، به هن و هن افتادن و له له زدن برای رسیدن به انتهای یک صف در هم ریخته و جا باز کردن در

طیف درهم ریخته "ضد ولایت فقیه" و جبهه هزار تکه شده و سرگردان ضد جناح تمامیت خواه از سوی یک سازمان جدیدالورود قوم پرست کرد است در دورانی که تقلائی عجیب را برای اعلام برائت خود دو خردادیون در صف تنوری پردازان و نمایندگان سیاسی کارکشته تر آن شاهدیم. اکثریت، رئیس دانا و حجاریان و سحابی از دو خرداد عبور کردند و آقای جلائی پور که در وصف قومیت‌های ایران رساله هم دارد! شکست دو خرداد را اعلام کردند. گرایش ناسیونال قوم پرست زحمتکشان، یک گرایش عقب مانده و ارتجاعی و همراه با آمیخته ای از حماقت مویکی و ساده لوحی عشایر و اشرافیت فئودالی کرد را به نمایش میگذارد. پرده های نمایش تحمیل و لائسه کردن این باند طی این دو سال و اندی، یکی از دیگری کمیک تر از آب در آمده اند. سازمان زحمتکشان، همراه با

دبیرکل همواره به خود متوهم خویش، راهی به این قافله باز نمیکند، به چندین دلیل: اگر "کرد" و قوم پرست کرد هستید، صریح و بی پرده باشید. ادعای میراث داری کومله را که زمانی سازمانی بوده است غیر ناسیونالیست، رادیکال و سابقه ایستادگی مسلحانه در برابر قلدریهای حزب دمکرات را در تاریخ خود ثبت کرده است، باید با همان صراحت اعتقاد به گرایش و هویت قومی کردی دور اندازید. نمایندگان کرد مجلس اسلامی، حزب دمکرات کردستان ایران و دهها شخصیت دیگر "منفرد" کرد، همواره با دیده شک و تردید به شما نگاه خواهند کرد، کما اینکه تاکنون چنین کرده اند. بازی مسخره شتر گاو پلنگ را پایان دهید، همانطور که با شجاعت توام با وقاحت قومی در هرسال فراخوان میدهید که دانش آموزان مدارس، یک هفته اول سال تحصیلی را

فقط و فقط کردی حرف بزنند، در تملق در حضور نمایندگان "کرد" مجلس اسلامی و در تلاش برای یارگیری ها نیز، صراحت لهجه داشته باشید. تجربه تلاش سقط شده تان برای ایجاد "به ره کردستانی" باید درسهای آموزنده ای برایتان به همراه داشته باشد. اما از من بشنوید! خود را منحل کنید و دردرس تازه ای برای مردم کردستان درست نکنید. جریانات قوم پرست در گوشه و کنار جهان، به اندازه بیش از حد کافی، موجب و بانی جنایات و پاکسازیهای قومی بوده اند. در کردستان گرایش و بانی جنایات و پاکسازیهای قومی بیش از اندازه منزوی و حاشیه ای و در تقابل با سطح توقعات و دانش و آگاهی سیاسی مردم است، شاید یک علت اصلی برای آویزان شدن به نام کومه له همین بیگانگی گرایش حاشیه ای و پرت نفرت پراکنی قومی و تعصب قوم گرائی باشد. این کالای

بنجل را نمیتوانید نه به مردم کردستان و نه حتی به نیروهای طیف ناسیونالیسم کرد بفروشید. یک باند منزوی با یک گرایش حاشیه ای و خطرناک برای جامعه، فقط میتواند با ماجراجوئیهای جنائی موجودیت خود را حفظ کند، درست مانند هر باند و دسته تبهکار دیگر. به همین دلیل نیروی دفاعی مردم و شم سیاسی و درایت و تجربه سیاسی آنها به آنان حکم میکند تا از خود مقاومت نشان بدهند و به هر اندازه باندهای قوم پرست، فاشیست تر، خطرناکتر و نا مسئول تر ظاهر شوند، عکس العمل جامعه در دفاع از مدنیت خود قاطعتر خواهد بود. سرنوشت رقت باری انتظارتان را میکشد.

ایرج فرزاد

۷ نوامبر ۲۰۰۳

دوازدهمین سالگرد حزب

(ادامه از صفحه ۱)

حزب کمونیست کارگری به رهبری منصور حکمت، پرچم کمونیسم، مارکس و انسان را بر افراشت. و در سنگر دفاع ازمارکسیسم به مصافهای ایندوره تاریخی وسیاه پرداخت. با نقد مارکسیستی دمکراسی، واقعیتها، با ملت ناسیونالیسم و با صلاح کمونیسم حزیبت یافته، به فتح سنگرهای بعدی پرداخت. حزب کمونیست کارگری اکنون مدعی قدرت سیاسی در صحنه سیاست در ایران است. این حزب اکنون بینش و روش و موازین و اصول سیاسی و عملی ای دارد که بر یک روایت متفاوت از کمونیسم بنا شده است. روایتی که در انقلاب ۵۷ مطرح کردیم و تاریخ زندگی سیاسی بسیاری از ما در این دو دهه، تلاش برای تبدیل کردن این مارکسیسم به یک نیروی قوی و معتبر سیاسی بوده است. در این دهسال سیمای فکری و سیاسی و عملی حزب کمونیست بسیار تدقیق شده است" (منصور حکمت، انترناسیونال ۸۲) در ۱۲ سال گذشته حزب کمونیست کارگری، سلاح نقد مارکسیستی به کاپیتالیسم، و قطب جهانی آن امپریالیسم و اسلام سیاسی بوده است. نقد کمونیسم کارگری به قدر قدرتی و میلیتاریزم نظامی امریکا، تبیین روشن از پیامدهای حمله نظامی امریکا به عراق و سناریوی سیاه و انهدام جامعه مدنی در عراق و اسلام سیاسی

بعنوان قطب تروریسم در خاورمیانه، افشا و نقد دائمی حزب کمونیست کارگری بر اسلام سیاسی، در عرصه بین المللی و اجتماعی، قتلهای ناموسی، نسبیت فرهنگی و جایگاه اسلام سیاسی در تفکر و عمل و فرهنگ این گرایش در اروپا، حجاب و حقوق کودک، و ده ها عرصه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی که توسط کمونیسم کارگری به مصاف طلبیده شده و جواب مارکسیستی و انسانی به آن داده عرضه شده است. امروز، موافقین و مخالفین حزب کمونیست کارگری ایران، جایگاه این حزب را در تحولات سیاسی، تئوریک و فکری بخوبی مشاهده میکنند. جایگاه حزب کمونیست کارگری بر همه عیان است. سیر تحولات اوضاع سیاسی بدون بررسی و ارزیابی از تحلیلهای کمونیسم کارگری برای موافق و مخالف حزب ما، امکان پذیر نیست. کسی نمیتواند به رویداد سیاسی دو خرداد و "جنبش، اصلاحات" و "زفرم" اسلامی در ایران بدون آثار سیاسی و تحلیلی حزب کمونیست کارگری مراجعه کند و بیان سیاسی شکست و به حاشیه راندن "اصلاحات" در جمهوری اسلامی، و "مردم سالاری اسلامی" را ارزیابی کند. بدون شکست کنفرانس برلین افشا تلاش کشورهای غرب برای ابقا رژیم اسلامی بعنوان رژیم قابل اصلاح به منظور تداوم سلطه آن بر

سرنوشت جامعه ایران امکان نداشت. بدون شکست رابطه های دیپلماتیک و افشای این سیاستها که توسط دول غربی انجام میشود، بدون حضور در آکادمی "لوکوم" و افشا جانین "دیپلمات" جمهوری اسلامی در این آکادمی، بدون به شکست کشاندن سفر فائزه رفسنجانی در آکادمی هلند و حضور در این آکادمی و افشا جنایات جمهوری اسلامی، بدون شکست در برگزاری جلسات برای سروش در آلمان و انگلستان، شکست دو خرداد و کارناوال حمایت غرب از این رژیم ضد انسانی، امکان نداشت. و در تحولات دوره اخیر ۲۰ خرداد تا ۱۸ تیر حضور فعال حزب کمونیست کارگری از طریق تلویزیون و آکتیویسم فعالین این حزب در خارج کشور، طرح شعار آزادی و برابری مرگ بر جمهوری اسلامی به این شکل گسترده و وسیع پیش نمیرفت. حزب کمونیست کارگری در واقع سخنگو و پرچمدار جنبش سرنگونی با شعار رادیکال و چپ جامعه تبدیل شد. امروز، در جامعه در میان کارگران، جوانان زنان، کمونیسم با حزب کمونیست کارگری تداعی میشود. هر جا اعتراض و تظاهرات و کمپین و اعتصاب رادیکالی شکل میگیرد، از کنفرانس برلینها صحبت میشود. اعتراض رادیکال، ضد مذهبی، ضد کاپیتالیستی، سکولاریسم و مدرنیسم با حزب کمونیست کارگری ایران، تداعی میشود. کمونیسم کارگری، در دوره معاصر در کمونیسم معاصر یک معضل

را برای همیشه در جنبش چپ و سوسیالیستی جامعه حل کرده است. کمونیسم مدعی قدرت سیاسی کمونیسم قدرتمند، کمونیسم دگرگون کننده، کمونیسم از گروه فشار به کمونیسم کسب قدرت سیاسی. در آستانه دوازدهمین سالگرد حزب کمونیست کارگری ایران، کنگره چهارم حزب ما در راه است. چشمها و نگاه های توده وسیعی از مردم ایران و جنبش کمونیسم کارگری به این کنگره و مصوبات آن دوخته شده است. اولین پیام مهم و کارساز این کنگره به تصمیم حزب کمونیست کارگری ایران برای تبدیل شدن به حزب آلترناتیو سیاسی، قابل دسترس و دگرگون کننده نظم سیاسی و اقتصادی رژیم کنونی، جمهوری اسلامی، بستگی دارد. کنگره چهارم در آستانه این تحول مهم قرار دارد. و در آستانه دوازدهمین سالگرد حزب ما، کمونیسم کارگری میرود تا این نقش و جایگاه مهم و تعیین کننده را ایفا کند. به یمن بیش از دو دهه کارهای تئوریک، سیاسی و عملی منصور حکمت در شکل دادن به کمونیسم کارگری بعنوان تنها جریان منسجم علیه کاپیتالیسم و نظام مزدببری و استثمارگرانه، حزب کمونیست کارگری اقبال و شانس تصرف قدرت سیاسی را دارد. این اقبال و شانس و فاکتورها امروز دیگر به تصمیمهای بزرگ حزب کمونیست کارگری بستگی دارد. در صحنه پر تلاطم جامعه ایران، آنجا که برای معضلات بزرگ

جامعه ایران، از فلاکت اقتصادی و رکود و بحران گرفته تا معضلاتی مانند گسترش افسار گسیخته تن فروشی و توزیع مواد مخدر و اعتیاد به آنها، تا پدیده زجز دهنده کودکان خیابانی و کودکان کار و تا ناامنی و خفقان فرهنگی زیر سلطه اسلام سیاسی و قوانین و مقررات اسلامی و تا سلطه یک مشت مفت خور و انگل اسلامی بر ثروت و اموال مردم ایران، جامعه مشتاقانه و بی صبرانه چشم انتظار یک تحول رادیکال و بنیادی است. مردم ۲۵ سال است تلاش میکنند، تسلیم نشده اند و علیرغم همه نسل کشیها و جنایان رژیم اسلامی دوباره پیا خاسته و برای یک زندگی شایسته انسان برابر، شایسته نسل پرشور و مدرن جامعه ایران، شایسته کارگر تولید کننده نعمات زندگی، سزاوار زندگی کودک شاد و شکوفا مبارزه کرده اند. حزب کمونیست کارگری ایران تنها پرچم سازش ناپذیر و نیروی با نفوذ اجتماعی در بطن این کشمکش بزرگ و تاریخی است. مردم ایران ابزار تحول بخش و نیروی قابل اعتمادی را برای انتخاب در معرض دسترس دارند. با حضور و دخالتگری کمونیسم کارگری در تحولات جامعه، بنای یک جامعه شاد، مرفه و خوشبخت و برابر و مدرن و متمدن پیششاروی میلیونها مردم ایران قرار گرفته است.

۷ نوامبر ۲۰۰۳
